

دکترین حقوقی آمریکا در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست

بابک صادقی *

علیرضا لطفی دودران **

مظفر باشکوه ***

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۲

چکیده

گسترش روزافزون زیان‌های گوناگون و متنوع ناشی از آلودگی محیط زیست، طیف وسیع زیان‌دیدگان، تعدد مسئولین ایجاد آلودگی از یکسو، و نوپایی حقوق داخلی در ارائه مبانی مناسب برای تحمیل مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست بر مسئولین و ناکارآمدی قوانین آفل موجود در ارائه راهکارهای پیشگیری و جبران این زیان‌ها از سوی دیگر، مطالعه مبانی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق کشورهای دیگر را ضروری می‌نماید؛ این مقاله بر آن است که با مطالعه دکترین حقوقی آمریکا در این زمینه و نحوه به‌کارگیری آنها در آرای قضایی آن کشور، علاوه بر ایجاد همگرایی حقوقی، نقاط ضعف و قوت آن را بنمایاند؛ مطابق مطالعات صورت گرفته در این پژوهش، دکترین حقوقی آمریکا علیرغم کاستی‌ها و نقایصی که از نظر مبنایی دارد، با تفسیر، تحلیل و به‌کارگیری مناسب قضات و حقوقدانان آن کشور، بسیاری از نیازها را از نظر مبنای مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در کشور آمریکا، برطرف نموده است.

کلیدواژگان:

آلودگی محیط زیست، دکترین حقوقی آمریکا، مسئولیت مدنی.

* دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
Bk.sadeghi@gmail.com

** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (مسئول مکاتبات)
Drlotfi1346@yahoo.com

*** استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران
M.bashokouh39@gmail.com

مقدمه

محیط زیست به معنای آنچه که در پیرامون انسان‌هاست، به خداوند تعلق دارد.^۱ آلودگی محیط زیست حیات مادی و معنوی انسان‌ها را به خطر انداخته است و نه تنها زیان‌های گزافی را به محیط زیست می‌رساند، بلکه سلامتی و رفاه و اموال مردم را نیز نابود می‌کند. «آلودگی هوا سالانه ۸۰ هزار میلیارد تومان به کشور خسارت وارد می‌کند و موجب مرگ ۲۱ هزار نفر در ایران می‌گردد».^۲ «آلودگی محیط زیست بیشترین دعاوی زیست محیطی را به خود اختصاص داده است».^۳ اما علی‌رغم اهمیت موضوع و گستردگی و تنوع خسارات، به دلیل نبود قوانین مناسب و نقص در مبانی مسئولیت مدنی در قوانین موجود و فقدان رویه قضایی، تحمیل مسئولیت مدنی بر آلوده‌کنندگان محیط زیست و سایر مسئولین و جبران خسارات با دشواری فراوان رو به رو است. در حقوق آمریکا، دکترین حقوقی علاوه بر اینکه منشأ قوانین مناسب در این زمینه بوده، هم اکنون نیز دارای کارایی بسزا و اهمیت فراوان حتی با وجود تصویب قوانین در این حوزه است. «اصول و تئوری‌های حقوق مسئولیت مدنی (شبه‌جرم) هنگامی که با قوانین هم‌پوشانی داشته باشند، می‌تواند ایجاد هارمونی کنند و بیشتر قضات هم بر چنین امری توجه دارند و در حال حاضر و در آینده هم به این کار ادامه خواهند داد».^۴ البته قوانین مصوب در زمینه حقوق محیط زیست آمریکا مورد انتقاد قرار گرفته است. «قوانین زیست محیطی ما بیشتر بر روی انسان متمرکز شده‌است تا اینکه به اکوسیستم یا محیط زیست تمرکز داشته باشد و این قوانین بیشتر برای حفظ سلامت انسان‌ها می‌باشد».^۵ «بسیاری از شکایت‌ها در خصوص عدم رعایت عدالت زیست محیطی به سه کمبود مهم در زمینه سیستم‌های قانون‌گذاری اشاره دارد: ۱. ناتوانی در مورد مقرراتی که حمایت‌های ماهوی زیست محیطی را برای اقلیت‌ها و فقرا ایجاد نماید؛ ۲. عدم تساوی و تناسب در توزیع منافع ناشی از قواعد و مقررات؛ ۳. عدم توانایی گروه‌های اقلیت و فقرا

۱. و لله ما فی السماوات و ما فی الارض (آیه ۲۸۴، سوره بقره).

۲. فخار، سیدمحمد، (۱۳۹۵/۱/۲۱) روزنامه همشهری، شماره ۶۹۱۴، ص ۲۶.

۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق محیط زیست در ایران*، چاپ پنجم، تهران: مجد، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲.

۴. Latham, D. and Schwatz, E. and Apple, E: *The Intersection of Tort and Environmental Law: Where the Twains Should Meet and Depart*. Fordham Law review. Volume 80. Issue 2 : 2011. pp.737-773.

۵. Uhlmann, M. *Environmental Law: Public Health, & the Values Conundrum*. Michigan Journal of Environmental & Administrative Law. Volume 3. Issue 2. 2014. P 234.

برای شرکت در تصمیمات زیست محیطی»^۱. هدف مقاله بررسی دکترین حقوقی آمریکا در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست با روش تحلیلی و توصیفی است که پیشتر مورد بررسی قرار نگرفته و ممکن است باعث ایجاد همگرایی حقوقی گردد. در حقوق کشور ما نیز قواعد فقهی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تحول حقوق در این حوزه داشته باشد؛ چرا که قوانین کشور ما به دلیل نقص در مبانی موجود کارایی لازم را ندارند. این مقاله درصدد طرح پرسش‌های نو و پاسخ به آنهاست. این پرسش‌ها عبارت‌اند از: دکترین حقوقی آمریکا در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست کدام‌اند؟ نحوه به کارگیری دکترین حقوقی آمریکا در آرای قضایی آن کشور چگونه بوده‌است؟ نقاط ضعف و قوت دکترین حقوقی آمریکا چه می‌باشد؟ و در پایان پیشنهادهایی نیز ارائه می‌گردد.

۱. دکترین حقوقی کشور آمریکا

۱.۱. قاعده sic utere tuo ut Alienum non Laedas

«این قاعده بدین معناست که از مال خود به گونه‌ای استفاده کن که موجب زیان به دیگران نگردد»^۲. «در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی این قاعده در انگلستان ظهور پیدا کرد و به صورت لاتین بیان و به آن استناد شد. در سال سی و هفتم سلطنت الیزابت، گاد فری^۳ در پرونده ادوارد^۴ از خواهان دفاع نمود و با بحث و استدلال دادگاه را متقاعد نمود که خواننده مسئول اعمال خود است، حتی اگر قصد صدمه به اموال خواهان را نداشته باشد (به دلیل قاعده Sic utere tuo). در این پرونده، خواهان زیرزمین ساختمانی را اجاره کرده بود که خواننده هم طبقه بالای آن را در اجاره داشت، خواننده در طبقه خود کالاهایی را به وزن کمتر از آنچه که مطابق اجاره‌نامه حق داشت، انبار نموده بود. اما کف طبقه خواننده فروریخت و به اموال خواهان در زیرزمین صدمه زد. در این پرونده، حکم به نفع خواهان صادر شد، ولی قاعده Sic utere tuo در رأی ظاهر نگشت، درحالی که انتظار آن می‌رفت. سپس حکم مورد اعتراض واقع شد. در حکم تصحیحی، شعبه استیناف رأی را تأیید نمود و از استدلال گاد فری حمایت کرد، اگرچه به قاعده اشاره نکرد. دادگاه

1. Yang, T. washburn Tort Law & Environmental Justice. Law Journal. vol.41.2002.p.610.

2. [https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/sic utere tuo ut alenum non laedas](https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/sic+utere+tuo+ut+alenum+non+laedas) 17/1/2018.

3. God Frey

4. Edward

چنین حکم داد که حتی اگر خواننده از طبقه استیجاری‌اش کمتر از میزان مقرر در عقد اجاره استفاده کرده باشد، با این حال او نباید به میزانی، کالا در آنجا انبار می‌کرد که موجب صدمه به اموال دیگران می‌گشت و خواننده از اموالش به گونه‌ای استفاده کرده که اموال خواهان در نتیجه این استفاده صدمه دیده است و بنابراین مسئول می‌باشد.

در پرونده‌ی آلدرد^۱ در سال هشتم سلطنت جیمز^۲ اول، خواهان به طرفیت خواننده، اقامه دعوی نمود؛ به این دلیل که یک آغل خوک نزدیک خانه خواهان ساخته بود. کوک^۳ در گزارش خود از تصمیم قاضی رایز^۴ که حکم هم به نفع خواهان داده شد، اظهار داشت که اگر شخصی کوره آهک‌پزی نزدیک خانه‌ی دیگری احداث کند و دود آن به منزل همسایه برود این دعوا واجد مبناست و او مسئول است. این مبنا قاعده‌ای در حقوق می‌باشد که عبارت است از: *Sic Utere tuo Ut alienum non laedas*. در این دو پرونده این قاعده به گونه‌ای مشابه به کار رفت که هیچ شکی در آن نبود. البته خلق موضوعی جدید نبود، بلکه به کاربردن بیان لاتین قاعده‌ای بود که مدت‌ها قبل ایجاد شده بود و در کامن لای انگلیس به کار می‌رفت.^۵

«در قرن نوزدهم آمریکایی‌ها علیه صنایع آلوده کننده با توسل به قاعده کامن لایی مزاحمت، اقامه دعوی می‌نمودند که ساخته قضات دادگاه‌ها بود و از دادگاه‌های انگلستان در قرون وسطی نشئت می‌گرفت و به طور خلاصه به قاعده *Sic utere* برمی‌گشت. این قاعده بین سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۵ به وسیله قاعده دیگر جایگزین نشد و مورخین آن را به عنوان جریان فکری غالب پذیرفتند و همان گونه که نوواک^۶ عقیده داشت، به عنوان یک اصل مهم برای احقاق حق مردم در دعاوی مزاحمت نقش اساسی بازی می‌کرد و دادگاه‌ها به طور پیوسته این قاعده را نه تنها در یک حوزه از این مقطع زمانی، بلکه در خصوص آلودگی به وجود آمده درباره آنچه مزاحمت‌های سنتی می‌نامیم، به کار بردند. آمریکایی‌ها تاریخ طولانی برای استفاده و بهره‌برداری از حقوق مزاحمت برای دفاع از خود در برابر آلودگی‌های صنعتی دارند. با عمل به این اصل که

1. Aldred

2. James

3. Coke

4. Wrays

5. Smead, E.E. *Sic utere tuo alienum non laedas* a basis of the state police power. *Cornell law Review* 21:2.277-292. 1936 p.52.

6. Novak

در قاعده Sic utere تجسم و ماهیت پیدا کرده، مقرراتی وضع شد که مطابق آن مالکین کشتارگاه‌ها و دیگر فعالیت‌های مزاحم و زیان‌آور باید ضایعات به‌وجود آمده را تمیز می‌کردند و از اینکه ضایعات خود را به رودخانه‌ها و خیابان‌ها بریزند، ممنوع گردیدند. آنها با نهادینه کردن اصل منطقه‌بندی^۱ یا از قدرت حاکمیتی برای انتقال صنایع به محل‌های دور استفاده می‌کردند و قوانینی تصویب شد که به شهرداری‌ها برای تنظیم محل صنایع قدرت می‌داد. اختلافات در آغاز قرن نوزدهم با صنعتی شدن و رشد سریع جمعیت در حومه شهرها شدت گرفت. پرونده‌ها بیانگر آن است که استناد به قاعده سنتی Sic utere و دکترین مزاحمت در این دوره به وسیله قضات ادامه یافت. در یکی از دعاوی قدیمی Catlin V. Valentin در سال ۱۸۴۲ در نیویورک، گروهی از مالکین علیه خواننده‌ای که کشتارگاه جدیدی را در یک منطقه توسعه‌نیافته در منهن (مستعد ساختمان‌های سیاحتی) می‌ساخت، اقامه دعوی کردند و موفق به اخذ دستور توقف عملیات آن و صدور قرار منع فعالیت از دادگاه شدند. استدلال قاضی بدین شرح بود که با تأکید بر رویه قضایی انگلیس و توسل به این قاعده، برای ایجاد مزاحمت، ضروری نیست که فعالیت‌های مزاحم، سلامت همسایگان را به خطر اندازد. بلکه همین کافی است که برای حواس آنان نامطبوع و ناخوشایند باشد و لذت بردن از زندگی و اموال را نامناسب و توأم با ناراحتی کند. قاضی در پرونده هاوارد^۲ چنین استدلال کرد که در پرونده‌هایی از این نوع نیازی نیست که برای منع فعالیت مزاحمت عمومی و تهدید برای سلامت عمومی ثابت شود، بلکه کافی است که ایجاد ناراحتی و عدم بهره‌وری و لذت بردن به‌وقوع بپیوندد. اما پس از انقلاب صنعتی رویه دادگاه‌ها از اصل سنتی Sic utere فاصله گرفت و آنها دودها و سر و صداهای ناشی از صنایع جدید را به ندرت مزاحمت اساسی تلقی و بیشتر به نفع خوانندگان، یعنی آلوده‌کنندگان صنعتی، عمل می‌کردند. اما در پرونده ترای^۳ با وجود اینکه رأی به نفع خواهان داده شد، قضات دادگاه عالی دعوی تجدید نظر ترای را برای تعدیل خسارت پذیرفتند و قاضی هریس^۴ تأکید کرد که سر و صدا و لرزش‌های ناشی از راه‌آهن مزاحمت اساسی است. با اعلام اینکه اصل Sic Utere یک قاعده بزرگ و مهم است که ناشی از حقوق شرعی کلیسا می‌باشد و بر مبنای آن هر کس باید به

1. zoning
2. Howard
3. troy
4. Harris

گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد با خود او رفتار شود و قاضی هریس اعلام نمود که قضاوت باید در پرونده‌های آلودگی صنعتی جدید نیز از دکترین سنتی کمک بگیرند تا سرزمین با مزاحمت‌های توسعه صنعتی به غارت نرود و اگر صنایع و شرکت‌ها در فعالیت‌های مختلف تابع عدالت نباشند، نتایج بسیار زیان‌بار و نابودکننده‌ای به بار خواهند آورد.^۱

«قاضی پیتنی^۲ در دعوی Hitchman Coal V. Mitchel اظهار داشت این قاعده صرفاً در مورد حقوق اموال کاربرد ندارد، بلکه در هر جا که تعارض منافع و حقوق در هر زمینه‌ای وجود داشته باشد، می‌تواند به کار رود که این امر توسعه قاعده به نهایت درجه بود و دادگاه عالی آمریکا بدین ترتیب این قاعده کامن لایی را که مربوط به اموال بود، گسترش و توسعه داد. این قاعده در سراسر مسیر توسعه خود چیزی بیش از یک قاعده حقوقی ظهور پیدا کرد و به عنوان یک اصل در قانون‌گذاری خود را متجلی ساخت.»^۳

«این قاعده به مسائل مربوط به آلودگی‌های زیست محیطی بین‌المللی نیز راه یافته است و مبنای حقوقی برای تحمیل مسئولیت بر کشورهای است که آلودگی از داخل سرزمین آنها منتشر می‌شود و محیط زیست کشورهای دیگر را آلوده می‌کند. تمام بحث‌ها در زمینه حقوق محیط زیست بین‌المللی و مسئولیت بین‌المللی مبنای خود را از داوری trail smelter می‌گیرد. بر این مبنا که دولت‌ها برای خسارت‌های زیست محیطی که از مرزهای آنان عبور می‌کنند، مسئولیت دارند. مفهوم Sic utere قاعده اصلی آلودگی‌های مرزگذر بین‌المللی شده است و اغلب به عنوان قاعده یا اصل trail smelter شناخته می‌شود.»^۴

«در سال ۱۹۷۲ در اولین اجلاس جهانی محیط زیست در استکهلم، این قاعده در اصل ۲۱ گنجانده شد. دولت‌ها مطابق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوقی بین‌المللی حق استخراج از منابع طبیعی‌شان را مطابق اصول زیست محیطی خود دارند. لیکن مسئولیت دارند که

1. Rosen, C.M. 'Knowing' Industrial Pollution: Nuisance law and the power of petition in a time of rapid economic change. The forest History society. 8:4. 565-597 Transboundary Environmental harm and state 2003.pp.567-570.

2. Pitney

3. Smead, E.E. Sic utere tuo alienum non laedas a basis of the state police power. Cornell law Review 21:2.277-292. 1936 p.52.

4. Schwabach. A. Responsibility, customary international Law and Institutions 2015.pp.1-6.

فعالیت‌های داخل سرزمینشان ایمن و بدون خطر باشد و یا اینکه باید آنها را به گونه‌ای کنترل کنند تا آسیبی به محیط زیست سایر کشورها یا مناطقی فراتر از صلاحیت ملی‌شان وارد نکنند.^۱

«اصل دوم کنوانسیون ریو ۱۹۹۲ مقرر می‌کند که دولت‌ها مسئولیت دارند تا فعالیتشان را در داخل کشورشان ایمن کنند یا به گونه‌ای آنها را کنترل کنند که به محیط زیست سایر کشورها صدمه‌ای وارد نشود. این امر یک تعبیر مفهومی ثانوی و برگرفته از ایده فراگیر و گسترده‌ای است که دولت‌ها نسبت به جامعه جهانی مسئولیت دارند که آن هم بوسیله قاعده Sic utere ایجاد شده است. این اصل اینک قسمتی از هسته حقوق محیط زیست بین‌المللی گردیده است.»^۲

اگرچه اصل Sic Utere ناقص و دارای ابهام بوده، توسط قضات و حقوقدانان تکمیل و تفسیر بهینه گردیده و حتی وارد حوزه حقوق محیط زیست بین‌الملل نیز شده است.

در میان نظرات ارائه شده در خصوص قاعده لاضرر، نظر مرحوم شریعت اصفهانی بدین معنا که «لا به معنی نهی می‌باشد و معنای آن حرام بودن ضرر زدن به دیگری می‌باشد»^۳، نظری مشابه، ولی وسیع‌تر از اصل کامن لای فوق است؛ زیرا هرگونه ضرر زدن به دیگران را ممنوع می‌شمارد، چه در مقام اعمال حق باشد و چه نباشد؛ از این رو آلودگی محیط زیست نیز که مصداق بارز ضرر زدن به محیط زیست و انسان‌هاست، ممنوع می‌باشد. «تصرف افراد در اموال و املاکشان اگر موجبات زیان به دیگران و منافع عمومی گردد، تصرفات مزبور ممنوع خواهد بود و توسط حاکمیت باید جلوگیری شود».^۴ اصل ۴۰ قانون اساسی نیز به این امر اشاره دارد؛ بدین گونه که هیچکس حق ندارد حق خود را به گونه‌ای اعمال کند که موجب زیان دیگران گردد. بنابراین قاعده لاضرر از قاعده Sic Utere کامل‌تر و با حوزه شمول گسترده‌تری است.

1. Percival. R. V. Liability for Global Environmental harm and the evolving Relationship between public and private law. 2010. 25:1.1-28. P 3.

2. Roben. V. Air pollution, transboundary aspects. Maryland Journal of international law. 2015. 1-11 p.4.

۳. محقق داماد، سیدمصطفی. قواعد فقهی بخش مدنی ۲، تهران: سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲. ص ۱۴۴.

۴. محقق داماد، سیدمصطفی. قواعد فقه بخش مدنی مالکیت مسئولیت، تهران: علوم اسلامی، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳، ص ۱۵.

۱.۲. دکترین مزاحمت^۱

یکی دیگر از تئوری‌های مهم و عام‌الشمول آمریکا دکترین مزاحمت است. «تئوری ابتدایی که به نحوی موفق برای جبران زیان‌های زیست محیطی به کار رفته‌است، ریشه در دکترین مزاحمت داشته‌است. به دلیل آزادی در تفسیر، این تئوری استفاده و کاربرد وسیعی به منظور حفظ منافع زیست محیطی داشته‌است و حقوق مزاحمت در مورد منافع زیست محیطی پدیدار گشته و مورد استناد واقع گردیده‌است»^۲.

«امروزه مزاحمت عمومی و خصوصی شامل مداخله غیرمعقول در املاک دیگران، مانند دیگر شبه‌جرم‌ها می‌باشد. مزاحمت عمومی، صدمه غیرمعقول در حقوق مردم، مانند مداخله در حق مسافرت در راه‌های عمومی و حق داشتن آب‌های غیرآلوده یا حق رها بودن از بیماری‌های همه‌گیر و عفونی می‌باشد. مزاحمت عمومی همچنین برای در هم شکستن اعتراضات، فعالیت‌های مجرمین و ولگردی در قرن گذشته به کار رفته‌است که دولت‌های محلی قوانین و آیین‌نامه‌هایی را تصویب کرده و رفتارهایی را به عنوان مزاحمت عمومی تلقی نموده‌اند. ماده ۳۴۷۹ قانون مدنی کالیفرنیا مزاحمت را این‌چنین تعریف کرده‌است: «هر چیزی که برای سلامتی زیان‌آور باشد، شامل فروش غیرقانونی موادی که تحت کنترل می‌باشد یا هر چیزی که تخلف‌آمیز یا ناشایسته برای حس‌های انسانی است یا مانعی برای استفاده آزاد از اموال باشد، مانند دخالت و جلوگیری از لذت بردن آسوده از زندگی یا اموال و یا ایجاد مانع غیرقانونی برای عبور آزاد و یا استفاده‌های معمول از دریاچه‌های قابل دریانوردی یا رودخانه یا خلیج یا حوضه رود یا هر پارک عمومی، میدان و خیابان و بزرگراه مزاحمت تلقی می‌گردد، مزاحمت محدود به موارد یادشده فوق نمی‌باشد»^۳.

«دکترین مزاحمت از نظر مفهوم و جزئیات برای تعدیل استفاده از املاک و سوءاستفاده تکنولوژیک، بی‌رقیب است و به همراه رویه قضایی، ستون فقرات حقوق مدرن محیط زیست و

1. Nuisance

2. Latham, Schwatz.E.Apple.E. The Intersection of Tort and Environmental Law: Where the Twains Should Meet and Depart. Fordham Law review. Volume 80. Issue 2 2011 .p.737-773.

3. Epstein.A.R .From common law to Environmental protection.
www.law.uedu. Chicago.2015.P1.

انرژی می‌باشد».^۱ «استفاده از این دکترین در مورد آلودگی‌های زیست محیطی به قرن نوزدهم برمی‌گردد».^۲ «دکترین مزاحمت شامل مزاحمت خصوصی و مزاحمت عمومی است. مزاحمت خصوصی دخالت و صدمه شخصی به نحو غیرمتصرفانه در منافع و استفاده و بهره‌وری و لذت بردن دیگران از املاکشان می‌باشد و مزاحمت عمومی مداخله و آسیب غیرمنطقی غیرمعقول به حقوق مشترک مربوط به عموم مردم و شامل تعرض به سلامتی، ایمنی و آرامش و رفاه عمومی می‌باشد. دادگاه‌های آمریکا حتی در مواردی که احتمال آلودگی وجود داشته است، مورد را از موارد مزاحمت تلقی کرده‌اند. همانند دعوای *village of willsonville v. SCA Service* که خوانده درحال احداث مکانی برای انباشت ضایعات شیمیایی خطرناک بود و دادگاه به دلیل احتمال انتشار آلودگی و انفجار و آلوده نمودن آب‌های زیرزمینی که از سوی خواهان نشان داده شده بود، قرار توقیف و منع فعالیت خوانده را مناسب تشخیص داد».^۳ «دکترین مزاحمت خصوصی، حق اقامه دعوی برای جبران خسارت و حق اقامه دعوی برای صدور قرار منع فعالیت‌های زیان‌بار و آلوده‌کننده را می‌داد و دادگاه‌ها حکم به جبران خسارت و زیان‌های وارده به اموال و زیان‌هایی که به بهره و منافع فیزیکی آنها وارد می‌آمد، دادند؛ به عنوان نمونه حق تنفس هوای سالم، رها بودن از سروصدای اضافی، بهره‌برداری از روشنایی طبیعی و غیره را مورد توجه قرار دادند. دکترین مزاحمت عمومی این قدرت را به مقامات دولتی برای استفاده از قدرت حاکمیتی ایالتی برای جریمه نمودن یا حتی زندانی کردن مالکین اموال برای استفاده از اموالشان به طریقی که موجب صدمه و آسیب به حقوق بسیاری از مردم در جامعه و یا همسایگی آنان شود، می‌داد. دادگاه‌ها در مورد دعوای *Common wealth v. vancinle* که دعوای مزاحمت عمومی در پنسیلوانیا بود و خواننده مدفوع خوک‌ها را وارد رودخانه می‌کرد و هوا را آلوده می‌نمود و همچنین در دعوای *Common wealth v. Upton* در سال ۱۸۵۶ که مالک یک کشتارگاه با بوی ناسالم، هوا را آلوده و بوی بد به بزرگراه سرایت می‌کرد، ادعای ایجاد حق مکتسبه

1. Buck.S The common Law and the environmental in the courts. Case western Reserve Law Review Volume 58. Issue 3. 2008.Pp 623.626.

2. Rosen, C.M. 'Knowing' Industrial Pollution: Nuisance law and the power of petition in a time of rapid economic change. The forest History society. 8:4. 565-597 Transboundary Environmental harm and state. 2003. pp 567-570.

3. Buck.S The common Law and the environmental in the courts. Case western Reserve Law Review Volume 58. Issue 3. 2008.P 626.

آلوده‌کنندگان را نپذیرفت و آنان را محکوم و اعلام نمود که نباید حس بویایی مردم مورد آزار قرارگیرد و مردم حتی در بزرگراه‌ها حق استفاده از هوای خوب را دارند.^۱ «در مورد مزاحمت‌های مربوط به آلودگی بصری، دادگاه فدرال آمریکا در پروندهٔ united states v. county board ساختن بنای بلند مرتبه یادبود ملی در ویرجینیا در کنار رودخانه پوتوماک توسط دولت آمریکا مخالفت کرد و قرار منع فعالیت صادر نمود که این امر نشان‌دهندهٔ تمایل قضات آمریکا در پیروی از سلیق عمومی جامعه می‌باشد».^۲ البته دکترین مزاحمت مورد انتقادات زیادی هم واقع شده است.

«دین ویلیام^۳ و پیچ کیتون^۴ در مورد این دکترین اظهار داشته‌اند: شاید در کل علم حقوق جنگلی نفوذ ناپذیرتر از آنچه که با واژه و اصطلاح مزاحمت احاطه شده باشد، وجود ندارد و این تئوری شامل همه چیز می‌گردد و نسبت به همه اعمال می‌شود».^۵

«اجازه دهید حالا به دکترین یا حقوق مزاحمت توجه نماییم؛ نظریهٔ سنتی که به وسیلهٔ دادگاه‌های کامن‌لا در مورد کیفیت محیط زیست اعمال می‌گردد. بازنگری قوانین در آمریکا حقوق مزاحمت را آنالیزی از هزینه و فایده تلقی نموده است. اگر واقعاً حقوق مزاحمت بدین معنا باشد، دادگاه‌ها نمی‌توانند آن را اعمال کنند؛ زیرا ابتدا باید در مراحل رسیدگی، مطالعاتی در زمینهٔ هزینهٔ منفعت خالص را بنمایند که نیاز به تحصیلات دانشگاهی در زمینهٔ نظم عمومی دارد. اگر حقوق مزاحمت واقعاً به معنای آنالیز سود و منفعت باشد، ما مطمئناً انتظار شکست و ناتوانی را خواهیم داشت، در حالی که به نظر ما در واقع دادگاه‌ها سعی در آنالیز سود و هزینه در موارد مزاحمت نمی‌کنند».^۶

اما مطابق قاعدهٔ لاضرر، هرگونه ضرر رساندن به دیگران، از جمله ایجاد مزاحمت برای بهره‌وری آنان از املاک و حقوقشان ممنوع است و موجب ضمان آلوده‌کنندهٔ محیط زیست می‌گردد، پس زیان دیده صرفاً باید زیان واردشده به خود و رابطهٔ علیت بین زیان و آلودگی را

1. Rosen, C.M. 'Knowing' Industrial Pollution: Nuisance law and the power of petition in a time of rapid economic change. The forest History society. 8:4. 565-597 Transboundary Environmental harm and state. 2003. pp 567-570.

2. <http://Law.Irankorg/pages/65B/Environmental-Law-Common>, 2017.

3. Dean William

4. Page Keeton

5. Latham. Schwatz.E.Apple.E. The Intersection of Tort and Environmental Law: Where the Twains Should Meet and Depart. Fordham Law review. Volume 80. Issue 2 2011.pp.737-773.

6. Williams.S culpability, restitution and Environment the vitality of common law rules second Penalist. Ecology law Quarterly. Volume 21 issue 2. 1994. Pp 559-565.

ثابت نماید. یکی از صاحب‌نظران چنین بیان می‌دارد: «مقصود از احترام مال مردم مصونیت اموال آنان از تصرف و تصدی است؛ بدین معنا که اولاً تجاوز و تعدی نسبت به آنها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و متجاوز مسئول و ضامن است».

نویسنده دیگر بیان داشته است: «همچنین تضييع حقوق انسان‌ها مانند: حق حیات، حق سلامتی و حق داشتن محیط زیست سالم، حق آرامش روحی و روانی و ده‌ها حق دیگر که تضييع این حقوق و آسیب به آنها، زیان‌هایی را به صاحبان آن وارد می‌کند که محروم ماندن از آنها یکی از این زیان‌هاست. از این رو محروم‌کننده ضامن و مسئول است و بنابراین در استناد به قاعده اتلاف در حقوق مالی نیز نباید تردید کرد».^۱ بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، قواعد فقهی خصوصاً قاعده لاضرر موضوع را به شکل بهتری بیان داشته‌اند و مطابق این قواعد، دیگر نیازی به ورود به مفهوم مبهم مزاحمت نیست.

۱.۳. دکترین تعدی و تجاوز به املاک^۲

«تعدی و تجاوز به املاک، هنگامی به وقوع می‌پیوندد که زمین یا ملک در تصرف دیگری قرار می‌گیرد یا چیزی که اثر مشابه تصرف دارد، بر روی زمین باقی می‌ماند یا تعهدی برای انتقال آن شیء از زمین وجود دارد، ولی این انتقال صورت نمی‌پذیرد. به گونه‌ای متفاوت از دکترین Nuisance، برای تحقق مسئولیت هیچ‌گونه قصد نادرست نیاز نمی‌باشد، بلکه همان تصرف و تعدی نسبت به ملک دیگری کافی است. چنان‌که دادگاه ناحیه چهارم در پرونده Alpine Forrest partners v. crown cent. petroleum corp در سال ۱۹۹۸ اعلام نمود که در میان دکترین کامن‌لا خسارت ناشی از trespass نسبت به ملک مفروض است. تفاوت عملی زیادی بین فعالیت‌هایی که منجر به trespass می‌گردد و فعالیت‌هایی که منجر به مزاحمت می‌شوند، وجود ندارد و هر دو دکترین حقوقی مشابهی را ایجاد می‌کنند. دادگاه‌ها معمولاً مبادرت به تعیین مرز بین این دو دکترین می‌کنند؛ همان‌گونه که دادگاه آلاباما در سال ۱۹۷۹ در پرونده Borland v. sandres Lead co اعلام نمود اگر عامل آلوده‌کننده وارد شده به ملک، قابل‌رؤیت

۱ محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه بخش مدنی مالکیت مسئولیت، تهران: علوم اسلامی، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳ ص ۲۱۳.

2 Trespass

با چشم غیرمسلح باشد، موضوع به عنوان Trespass، ولی اگر قابل رؤیت نباشد، به عنوان عامل غیرمستقیم و غیراساسی در نظر گرفته شده و مزاحمت تلقی می‌گردد.^۱

می‌توان قاعده ضمان ید و همچنین قاعده تسلیط را با دکترین تعدی و تجاوز مشابه دانست؛ زیرا آلودگی محیط زیست حق بهره‌مندی از محیط زیست را برای انسان‌ها از بین می‌برد و انتشار آلودگی به املاک، حق تسلط مالکین بر اموال خود را مختل می‌نماید.

«مطابق قاعده تسلیط ... اگر قبول کنیم که مردم به اموال به معنای اعیان مسلط هستند، به طریق اولویت بر حقوق هم مسلط خواهند بود».^۲

«به عقیده فقها مقتضای اولیه تصرف یا استیلا بر مال دیگری این است که متصرف در مقابل مالک ضامن است».^۳ «پس متصرف در مال غیر ضامن است. پس وقتی منفعت را به استناد این قاعده قابل اخذ و ادا بدانیم، می‌توان گفت که حقوق هم قابل اخذ و شمول این ماده خواهد بود».^۴ انتشار مواد آلاینده به داخل املاک مردم را می‌توان با توجه به مواد ۳۰۸ و ۳۸ قانون مدنی در حکم غصب دانست؛ زیرا ذرات آلاینده وارد فضای محاذی املاک می‌گردند؛ همچنین ورود مواد آلاینده به داخل رودخانه‌ها، دریاها و هوای آزاد را می‌توان تصرف در محیط زیست و شامل عنوان غصب دانست؛ آلوده‌کنندگان محیط زیست با آلوده کردن محیط زیست در واقع حق مردم در استفاده از محیط زیست سالم را غصب می‌نمایند. «چنان که پیش از این ضمن تعریف غصب، اشارت رفت، بعضی فقیهان مورد غصب را منصوص به اموال دانسته‌اند و بعضی دیگر آن را به حقوقی که مالیت هم نداشته باشد (چون حق مسجد) نیز توسعه داده‌اند».^۵ بنابر این دو قاعده فوق از دکترین تعدی و تجاوز کامل‌ترند.

1. Buck.S. The common Law and the environmental in the courts. Case western Reserve Law Review Volume 58. Issue 3 2008.pp. 623.626.

۲. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقهی بخش مدنی ۲، پیشین، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۶۱.

۴. انتظاری نجف‌آبادی، علیرضا، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، تهران: مخاطب، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۶۵.

۵. امین سیدحسن، غصب و ضمان قهری، لندن: شرکت رویستون انگلستان، چاپ اول، ۱۳۶۲، صص ۲۵ و ۲۶.

۱.۴. دکترین خسارت تنبیهی^۱

«خسارت تنبیهی خسارتی غیر از خسارت جبرانی یا خسارت اسمی است که برای تنبیه خواننده به دلیل رفتار تخلف آمیز او مورد حکم قرار می‌گیرد تا از قبیل او، دیگران به گونه‌ای بترسند که در آینده رفتارهای مشابهی انجام ندهند. ایالت‌های آمریکا، عموماً به وسیله قوانین موضوعه یا قواعد کامن‌لا ضروری می‌دانند که عمل تخلف‌آمیز و نادرست خواننده هنگامی باید مستوجب خسارت تنبیهی گردد که توأم با قصد عمدی یا بی‌تفاوتی ارادی یا بی‌توجهی عمدی یا سوءنیت و یا مواردی که از نظر ذهنی همانند آنها باشد، صورت گرفته باشد».^۲ «البته خسارت تنبیهی در بیشتر پرونده‌های مبتنی بر دکترین مزاحمت هم که خسارت زیست محیطی به خواننده تحمیل می‌گردد، مورد حکم قرار می‌گیرد. دادگاه در پرونده *Caty v. Ramsey* associates خواننده را از که طریق ملک خود، موجب ایجاد و انتشار آلودگی و آزار رساندن به همسایگان می‌گردید، به ۳۸۰ هزار دلار خسارت تنبیهی محکوم نمود و دفاع خواننده در داشتن مجوز برای فعالیت‌ها را نپذیرفت».^۳ «خسارت تنبیهی مشخصاً کمی بیش از یک دهه می‌باشد که تغییر شکل داده است؛ بدین گونه که در ابتدا خسارت تنبیهی تقریباً به‌طور انحصاری در صلاحیت هیئت منصفه و دادگاه‌های ایالتی بود. اکنون در حوزه خسارت تنبیهی، دادگاه عالی این موضوع را تحت بازنگری اصول دادرسی صحیح قرار داده است. در این راستا، دخالت دادگاه عالی بر مبنای عدم توجه به پرونده‌هایی بوده است که زیان‌ها به حقوق فردی و عمومی و یا منابع ملی به‌طور کلی یا در قسمت‌هایی ارزیابی نگردیده و به آن توجه نشده است. اگر دادگاه‌ها بتوانند تلاش خود را در زمینه ارزیابی و شناسایی در مورد ضررهایی که در حوزه خسارت جبرانی تعیین نگردیده‌اند، مبذول دارند، بهتر می‌توانند هدف رسیدگی صحیح مورد نظر دادگاه عالی را تأمین کنند و تأثیر خسارت تنبیهی در خصوصیت ترساندن و تنبیه رفتارهای تخلف‌آمیز و نادرست تأمین می‌گردد».^۴ «ازدواج بین خسارت تنبیهی و دعاوی گروهی تقریباً به صورت اجتناب‌ناپذیری به طلاق انجامیده است. صرفاً در تعداد معدودی از پرونده‌ها که مربوط به دعاوی گروهی بوده و

1. Punitive damages

2 Klass.B, Punitive Damages and Valuing Harm, 92 Minn.L Rev. 83 (2007) pp.90.91.

3 Volokh. A. Punitive Damages and Environmental at Law. Policy study no.1996. 21310 pp.10-39.

4 Klass.B, Punitive Damages and Valuing Harm, 92 Minn.L Rev. 83 (2007) pp.90.91.

دادگاه‌ها حکم به خسارت تنبیهی داده‌اند، در دادگاه‌های تجدیدنظر این احکام مورد تأیید قرار گرفته و دادگاه‌های عالی آمریکا نیز خسارت تنبیهی را در دعاوی گروهی صرفاً در شرایط خاصی مورد تأیید قرار داده‌اند.^۱ «دادگاه عالی اورگان اخیراً خسارت تنبیهی را در موردی که معترضان مدنی در حمایت از محیط زیست اعتراض نموده بودند، مورد تأیید قرار داد؛ در حالی که معترضین به نشانه اعتراض، خود را به وسایل قطع درخت زنجیر نمودند و مانع کار شرکت‌های قطع درخت برای یک روز شدند و شرکت مزبور دعوی مدنی تعدی و تجاوز به طرفیت معترضین را مطرح نمود و تقاضای خسارت جبرانی و تنبیهی کرد. خواندگان با اعتراض به خسارت تنبیهی استدلال کردند که محکومیت آنها به خسارت تنبیهی با حق آزادی بیان آنها به موجب قانون اساسی اورگان و همچنین با اصلحیه اول و چهارم قانون اساسی آمریکا منافات دارد. اما آنان به خسارت تنبیهی محکوم شدند و این حکم موجب انتقادات شدید گردید؛ چرا که منتقدین بر این عقیده بودند که باید در ارزیابی و محکومیت به خسارت تنبیهی عقاید و انگیزه‌ها در نظر گرفته شود».^۲

این دکترین مورد شناسایی حقوقدانان ایران نیز واقع شده است؛ «هدف اصلی آن جبران خسارت خواهان نیست، بلکه تنبیه خواننده خطاکار است. دیات و خسارت‌های تنبیهی با یکدیگر اشتراک دارند که مهم‌ترین وجه اشتراک این دو برخورداری از جنبه‌های دوگانه مدنی و کیفری است».^۳ «این نهاد با عدالت و انصاف منطبق است».^۴ «مهم‌ترین هدف خسارت تنبیهی بازدارندگی فاعل زیان و سایر افراد جامعه از ایراد زیان عمدی می‌باشد».^۴

«قانون‌گذار ایران در قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸ (اصلاحی ۱۳۹۱) خسارت تنبیهی را مورد پذیرش قرار داده است، لیکن در حقوق داخلی چنین نهادی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین ضرورت دارد قانون‌گذار ایران در جهت همگام‌سازی

1. MC, Govern. E. Francis Punitive Damages and Klass Actions. Luisiana Law Review. Vol. (2011)70 P 435.

2. Axelsen. LKaarin. *Environmental Law.Problems of punitive damages.* volume 25. 1995.pp.495-496.

۳. صفری، پرویز و معصومه قادری، *نقش تقصیر در خسارت تنبیهی*، فصلنامه علمی و پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم. پاییز ۱۳۹۳، شماره ۲۱، ص ۱۰۷.

۴. خسروی فارسانی، علی و میثم موسی پور، *ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن‌لا*، نشریه دانش حقوق مدنی، دوره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۵۸ و ۵۹.

با حقوق کشورهای پیشرفته چنین نهادی را مورد پذیرش قرار دهد.^۱ به نظر می‌رسد که با توجه به مفهوم قاعده لاضرر که پیشگیری از ضرر را نیز ارائه می‌دهد، بتوان برای خسارت تنبیهی مبنای فقهی یافت؛ چرا که برای پیشگیری از ضرر و بازداشتن آلوده‌کنندگان محیط زیست تحمیل خسارت تنبیهی بر آنان موجه می‌باشد. کما اینکه به منظور پیشگیری از خسارات زیست محیطی، آیات عظام علوی گرگانی و مکارم شیرازی کشت محصولات تراریخته را حرام اعلام نموده‌اند.^۲ در موضوع مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست کشور ما این دکترین می‌تواند بسیار سودمند باشد؛ زیرا در کارایی حقوق کیفری در این زمینه تردید بسیار جدی وجود دارد. همچنین امکان توسعه این دکترین و محکومیت کلیه اشخاص دخیل در ایجاد آلودگی به پرداخت خسارت تنبیهی به شخص زیان‌دیده و محیط زیست به صورت جداگانه نیز وجود دارد.

۱.۵. دکترین مسئولیت محض^۳

«مطابق این دکترین نیازی نیست که خواهان ثابت کند خسارت وارد شده به او به دلیل تقصیر خواننده بوده است؛ بلکه فقط کافی است ثابت کند، خواننده در فعالیت خطرناکی دخالت داشته که موجب خسارت شده است. در رویه دادگاه‌های عالی آمریکا در زمینه disposal (نگهداری و انباشت مواد خطرناک) اختلاف نظر وجود دارد، ولی بعضی از دادگاه‌ها انبارکردن گازوئیل در زیرزمین و پمپاژ آنها را که موجب نشت آلودگی به املاک همسایگان و منابع آبی زیرزمینی می‌شود، فعالیت خیلی خطرناک می‌دانند که دعوی Southern New England telephone co v. clifford از آن جمله است. در مواردی که مسئولیت محض به کار گرفته می‌شود، صرفاً وجود رابطه علیت میان فعالیت و خسارت وارده، کافی است و اگر این شرایط واقع گردد، خواننده به صورت محض مسئول می‌باشد. دعوی سنتی مسئولیت محض، دعوی انگلیسی رایلند^۴ به طرفیت فلچر^۵ است که همسایه ملک مجاور، موادی خطرناک را به ملک خود آورده بود که به طور طبیعی در آنجا نبود و برای دیگران خطرناک بود و آن شخص می‌دانست که اگر

۱. اسدی، حبیب، «رژیم حقوقی حاکم بر خسارت تنبیهی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، ۱۳۹۶، ص ۱۸۰.

۲. امید، مزدک، تحریم دینی کشت تراریخته‌ها، روزنامه همشهری، ۱۳۹۵، شماره ۶۹۱۹، ص ۳.

3. Strict Liability

4. Ryland

5. Fletcher

این مواد به ملک مجاور برود، بسیار مضر و خطرناک می‌باشد و مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.^۱ «مسئولیت محض اغلب ولی نه عموماً در متون حقوقی زیست محیطی به کار رفته است. همان‌گونه که الکساندرا کلس^۲ در سال ۲۰۰۴ اشاره نموده است که ۲۱ حوزه از ۲۷ حوزه قضایی آمریکا در فعالیت‌های آلوده‌کننده محیط زیست، به مسئولیت محض تمایل پیدا کرده‌اند. مسئولیت محض همچنین در دعوی خریدار ملک علیه مالک قبلی که زمین را آلوده نموده است، به کار می‌رود.»^۳ «قانون جبران و مسئولیت فراگیر متقابل زیست محیطی مصوب سال ۱۹۸۰ (CERCLA) و اصلاحات قانون پسماند سال ۱۹۸۶ که مسئولیت زیست محیطی را در آمریکا مورد شناسایی قرار داده است، مسئولیت محض را برای آلوده‌کنندگان زمین و آب به غیر از به کاربرندگان حشره‌کش‌ها و نفت و سوخت و بیشتر مواد اتمی ایجاد کرده است.»^۴

نوع مسئولیت مطابق قواعد فقهی مسئولیت محض می‌باشد؛ چرا که مطابق قاعده لاضرر به صرف ایجاد ضرر، زیان‌زننده مسئولیت محض پیدا می‌کند. مطابق قاعده اتلاف، متلّف درقبال خسارات وارده مسئولیت محض دارد، حتی نویسندگان دیگر در بحث قاعده تسبیب نیز استناد عرفی زیان را به رفتار زیان‌بار کافی می‌دانند و دیگر عنصر تقصیر را ضروری تلقی نمی‌کنند. «به هر تقدیر دلیل قاطعی بر اینکه در فقه از نظر مبنای مسئولیت تفاوتی بین اتلاف و تسبیب وجود داشته باشد، در دست نیست و تصریحی در این خصوص دیده نمی‌شود؛ حتی بسیاری از فقها اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب را جداگانه مورد بحث قرار نداده و هر دو را با عنوان قاعده اتلاف بررسی نموده و مبنای واحدی برای آن ذکر کرده‌اند.»^۵ بعضی از نویسندگان، مسئولیت مدنی ناشی از کشت محصولات تراریخته را از نوع مسئولیت محض دانسته‌اند.^۶ همچنین

1. Coppolo.G Strict Liability.Old Research Report 2009-R-0336. 2009.Pp 1-4.

<https://www.cga.ct.gov/2009/rpt/2009-R-O336.htm>.

2. Alexandra Klass

3. Buck.S. The common Law and the environmental in the courts. Case western Reserve Law Review Volume 58. Issue 3. 2008.pp.623.626.

4. Ashford.N.A. Reflection on Environmental. Schemes in the United States and Europe Union.Limitation and Prospects for Improvement. 2007. p2.

۵. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ ششم. تهران: سمت، ۱۳۹۳، صص ۷۷ و ۷۸.

۶. بیگدلی، سعید و امین بدیع صنایع اصفهانی، **مبانی مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی اصلاح شده ژنتیکی (تراریخته)**، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۵، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۳. ص ۳۱۲.

نویسندگان دیگر مسئولیت مدنی ناشی از زیان‌های ساخت و فرمولاسیون کودها و سموم را منطبق بر تئوری خطر دانسته‌اند.^۱

۱.۶. دکترین مسئولیت تضامنی^۲

«این دکترین به زیان‌دیده اجازه می‌دهد که کلیه زیان‌هایش را جبران نماید و از هر کدام از خواندگان یا هر ترکیبی از خواندگان آن را وصول نماید. حذف این دکترین به این نتیجه منجر می‌شود که فرد زیان‌دیده نتواند به‌طور کامل به خسارت و زیان وارده به خودش برسد. پس از اینکه زیان‌دیده به خسارت خود رسید، فرد پرداخت‌کننده خسارت می‌تواند به دیگران برای پرداخت سهم خطای آنها مراجعه کند. CERCLA یا قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست محیطی، انبوهی از دعاوی زیست محیطی را ایجاد نمود و دادگاه‌ها تمایل پیدا کرده‌اند که مسئولیت شرکت‌ها را به سهامداران، مدیران، متصدیان و کارمندان شرکت‌ها به عنوان نهاد قائم مقامی و همچنین سرپرستان شرکت‌ها گسترش دهند و مفاهیم حقوق سنتی شرکت‌ها نادیده گرفته و به کنار گذاشته شد.»^۳ «تحمیل مسئولیت تضامنی در مورد پاکسازی محل ضایعات خطرناک مطابق قانون فراگیر و متقابل جبران مسئولیت زیست محیطی CERCLA، یکی از جنبه‌های بحث‌برانگیز این قانون می‌باشد. دادگاه‌ها به‌طور مشترک مسئولیت تضامنی را در مورد سایت‌های پسماند به کار می‌برند. ماده ۱۰۷ قانون CERCLA، طیف وسیعی از مسئولین شامل کارخانه، حمل‌کننده و انبارکننده ضایعات را شامل می‌شود و آنها را مسئول می‌شناسد.»^۴ «هزینه‌های جبران خسارات زیست محیطی اغلب بیش از توان آلوده‌کننده می‌باشد، پس دولت‌ها به دنبال آن هستند که اشخاص دیگر را برای پرداخت آن بیابند. هنگامی که شرکت آلوده‌کننده ورشکسته باشد، به‌طور طبیعی توجه به سیمت اشخاص کنترل‌کننده شرکت جلب می‌گردد؛ خصوصاً هنگامی که این شخص کنترل‌کننده خود، شرکت مادر باشد؛ محدودیت و معافیت

۱. مقدادی، محمد مهدی و مهدی میرزاحمد، مسئولیت مدنی ناشی از ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودها و سموم دفع آفات نباتی با مروری بر مقررات استرالیا، مجله حقوق تطبیقی. شماره ۱۰۷، جلد ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۸۷.

2. joint and several liability

3. Dugan.MG, Liabilities of corporate individuals for Environmental Claims under CERCLA.Environmental law reporter 1993. Pp 1-9.

<https://elr.info/sites/default/files/articles/23-10074.htm>.

4. Harkins.jr.MR.Environs. vol 17. No 1 December, 1993.pp 30-42.

اشخاص وابسته به شرکت از دیرباز نکته‌ای مهم بوده است. به‌طور سنتی سهامداران، کارمندان و دیگر اشخاص وابسته شرکت مسئولیتی برای پرداخت قروض شرکت نداشته‌اند و مسئولیت محدود آنان از نقاط بحث برانگیز بوده است. در آمریکا به‌صورت متفاوت از کشورهای دیگر دادگاه‌ها همیشه تمایل دارند که پوشش شرکت را برای عدم جبران زیان‌ها توسط اشخاص مرتبط با شرکت از بین ببرند.^۱

در حقوق ایران در خصوص مسئولیت تضامنی بحث‌های فراوانی صورت گرفته است. «ایجاد مسئولیت تضامنی میان کسانی که در ائتلاف به غصب مالی دخالت داشته‌اند، یکی از تضمین‌های مرسوم جبران خسارت است».^۲ «مسئولیت تضامنی عاملان زیان یکی از سازوکارهای مناسب برای حمایت از محیط زیست است؛ چرا که باعث می‌شود در حد امکان خسارات زیست محیطی جبران نشده باقی نماند».^۳ قانون مالیات‌های مستقیم نیز برای جلوگیری از فرار مالیاتی مسئولیت مدنی تضامنی شرکت‌ها و مدیران آنها مورد پذیرش گرفته است.^۴ نظریه نفی ضرر غیر متدارک از قاعده لاضرر در این خصوص راهگشاست.

«به این معنی که شارع مقدس از ضرر غیر متدارک نفی می‌نماید و این معنی کنایه از وجوب تدارک آن است و این قول مختار فاضل تونی است».^۵ «مرحوم نراقی همین عقیده را دارد؛ شارع مقدس با این حکم افراد را ملزم به جبران ضرر کرده، یعنی هرکس موجب ضرر و زیان کسی شود، باید آن را جبران و تدارک کند».^۶ این نظر می‌تواند مبنایی برای برقراری مسئولیت تضامنی بین مسئولین متعدد برای جبران کامل خسارت نیز باشد؛ زیرا تنها در این صورت ضرر زیان‌دیدگان به‌طور کامل جبران و تدارک کامل ضرر میسر می‌گردد.

1. Dent.G.W. *Limited liability in Environmental Law*. Wake Forest Law Review. Vol 26. 1991. p p 151-182.

۲. کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری*، چاپ سوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۷۰۳ و ۷۰۴.

۳. همتی، مجتبی، *اقامه دعوای جبران خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوق ایران*، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. سال بیست و سوم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۸۱، ص ۲۴۸.

۴. امیرمحمدی، محمدرضا، *حقوق مدنی مسئولیت تضامنی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۳۲.

۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، *قواعد فقهیه*، تهران: میعاد، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۵۹.

۶. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه بخش مدنی مالکیت مسئولیت*، تهران: علوم اسلامی، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵.

۱.۷. دکترین غفلت و بی‌مبالاتی^۱

«غفلت و بی‌مبالاتی در متون حقوقی زیست محیطی اختلافی با دیگر متون ندارد. غفلت نیاز به اثبات تقصیر دارد. بدین ترتیب که فردی معقول در شرایط مورد نظر نباید کاری انجام دهد که فرد نامعقول در آن شرایط انجام می‌دهد و تقصیر در اینجا به شکل استانداردهای مراقبت و مواظبت مطرح می‌گردد. این دکترین به آلوده‌کننده این فرصت را می‌دهد که ادعا نماید همه چیز را مطابق استانداردهای پذیرفته‌شده انجام داده و در نتیجه مقصر نمی‌باشد. حتی اگر رفتار او منجر به آلودگی شده باشد».^۲ «غفلت و بی‌مبالاتی پتانسیل جذابی برای جبران کامل خسارت ایجاد می‌کند که به تعریف ابتدایی آن باز می‌گردد. مطابق این نظریه، امکان طرح دعوی برای عدم اعمال یا فقدان مراقبت کافی و یا تخلفی که علت منطقی آسیب و صدمه باشد، وجود دارد. برای مثال اگر خواننده مکان‌های تخلیه و انباشت مواد آلوده‌کننده خطرناک را به موجب وظیفه‌اش پاکسازی ننماید، خواهان براساس تخلف خوانده، یعنی غفلت و بی‌مبالاتی او، می‌تواند طرح دعوی کند. همچنین، یکی دیگر از دعاوی مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی «نقض وظیفه افشاء خطر» است؛ به این معنی که خواننده اموال غیرمنقول آلوده را به خواهان می‌فروشد، ولی وجود ضایعات خطرناک را به او اطلاع نمی‌دهد».^۳ «دکترین بی‌مبالاتی و غفلت اغلب شامل رفتارهایی می‌شود که خارج از شرایط استاندارد مواظبت معقول اشخاص در فعالیت‌های ویژه می‌باشد. دادگاه‌ها این مفهوم را به‌طور مستقل و البته زیر مجموعه دکترین مزاحمت به‌کار می‌برد».^۴

1. Negligence

2. Hadden. Connect.michbar.org/env/reports/Deskbook/chapter13, 2019, p.1.

3. Kay, M.R. Environmental negligence. California Review. Volume 94. Issue .2006. p 1.

http://law-jrank.org/pages/6513/Environmental-law-commonlaw-html , .2017/2/16.

4. Shapo. S.M. Tort Law & Environmental risk Pace Environmental Law Review Volume 14. Issue 2 Summer 1997, pp 532-535.

نتیجه گیری

قاعده sic utere بدین معنا که هر شخص باید از اموال خود به گونه‌ای استفاده کند که به دیگران صدمه نزند؛ با قاعده لاضرر تشابه دارد. لیکن قاعده لاضرر بر این اصل برتری دارد؛ زیرا این قاعده صرفاً استفاده از اموال را به گونه‌ای که به دیگران ضرر وارد آید، ممنوع می‌شمارد؛ اما مطابق قاعده لاضرر، استفاده از حق برای اضرار به غیر ممنوع است و دامنه حقوق، فراتر از حق عینی نظیر تصرف در ملک بوده و علاوه بر آن قاعده لاضرر شامل ممنوعیت ایجاد هرگونه ضرر ناروا از جمله آلودگی‌ها می‌گردد و حوزه شمول آن بسیار گسترده‌تر است و شامل هرگونه اضرار به غیر می‌گردد؛ چه در مقام استفاده از حق و چه غیر آن.

دکترین مسئولیت محض، صرفاً در موارد معدودی و آن هم فعالیت‌های خطرناک موجب آلودگی، مسئولیت محض آلوده‌کننده را مقرر می‌دارد. لذا این موارد محدود نقطه‌ضعفی برای این دکترین است. همچنین دکترین مسئولیت محض از نداشتن مبنا و بنیان رنج می‌برد؛ زیرا مسئولیت محض صرفاً نوعی از مسئولیت است که نیاز به اثبات عنصر تقصیر ندارد؛ درحالی‌که مطابق قواعد فقهی، نوع مسئولیت همواره محض می‌باشد. تحمیل مسئولیت مدنی بر آلوده‌کنندگان محیط زیست بر اساس تئوری‌های مزاحمت و تعدی و تجاوز با ابهام و پیچیدگی و از طریق حقوق مالکین بر املاکشان صورت می‌پذیرد.

دکترین خسارت تنبیهی از جمله نقاط قوت حقوق آمریکا می‌باشد و منجر به محکومیت آلوده‌کننده به پرداخت خسارتی بیش از خسارت واقعی می‌گردد و جنبه پیشگیری و بازدارندگی دارد. بر اساس نظریه مفهومی از قاعده لاضرر قابل توجیه است و می‌توان به منظور پیشگیری از ایجاد ضرر، علاوه بر آلوده‌کنندگان محیط زیست، کلیه اشخاصی را که در ایجاد آلودگی نقش دارند، نیز به پرداخت خسارت تنبیهی به اشخاص زیان‌دیده و محیط زیست به صورت جداگانه محکوم نمود.

در دکترین غفلت و بی‌احتیاطی شرط تحمیل مسئولیت بر آلوده‌کننده، کوتاهی و قصور در انجام وظایف می‌باشد که تقصیر در آن شرط اساسی است و به همین دلیل این دکترین در بسیاری از موارد در تحمیل مسئولیت مدنی بر آلوده‌کنندگان محیط زیست ناتوان است.

دکترین مسئولیت تضامنی حقوق آمریکا، زیان‌دیدگان آلودگی محیط زیست را به جبران خسارات خود امیدوارتر می‌نماید که با نظریه نفی ضرر غیر متدارک از قاعده لاضرر قابل توجیه

است و می‌توان کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را که در ایجاد آلودگی نقش دارند، به صورت تضامنی مسئول تلقی نمود و این دکترین را توسعه داد.

با اینکه دکترین حقوقی آمریکا در ارائه مبانی مناسب و کامل حقوقی در حوزه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست و نیازهای جدید در این حوزه ابهامات و نقایصی دارد، لیکن با تکیه بر رویه قضایی و استدلال‌ات قضات توسعه پیدا نموده و پاسخگوی بسیاری از نیازها گشته است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در حقوق کشور ما هم قواعد فقهی که بسیار کامل‌تر از دکترین حقوقی آمریکا می‌باشد، در آرای قضایی به کار گرفته شوند و توسعه یابند و به عنوان منبعی برای تصویب قوانین از آنها استفاده گردد تا علاوه بر تحمیل مسئولیت مدنی تضامنی بر آلوده‌کنندگان و سایر مسئولین، کلیه خسارات ناشی از آلودگی محیط زیست جبران گردد و همچنین به منظور پیشگیری و بازدارندگی، دکترین خسارت تنبیهی نیز مورد پذیرش قرار گیرد.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای بابک صادقی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. قرآن کریم.
۲. امیرمحمدی، محمدرضا، *حقوق مدنی مسئولیت تضامنی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۳. امین، سیدحسن، *عصب و ضمان قهری*، لندن: شرکت رویستون انگلستان، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴. انتظاری نجفآبادی، علیرضا، *مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی*. تهران: مخاطب، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۵. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق محیط زیست در ایران*. تهران: مجد، چاپ پنجم، ۱۳۹۵.
۶. صانعی، یوسف، *استفتائات قضائی*، جلد ۲، قم: پرتو خورشید، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۷. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: سمت، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۸. کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۹. کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱۰. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقهی بخش مدنی ۲*، تهران: سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲.
۱۱. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه بخش مدنی مالکیت مسئولیت*، تهران: علوم اسلامی، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۳.
۱۲. مصطفوی، سیدکاظم، *قواعد فقه ۱*، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۳. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، *قواعد فقیه*، تهران: میعاد، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

مقاله

۱۴. امید، مزدک، *تحریم دینی کشت تراریخته‌ها*، روزنامه همشهری، ۱۳۹۵. شماره ۶۹۱۹.

۱۵. بیگدلی، سعید و امین بدیع صنایع اصفهانی، «**مبانی مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی اصلاح شده ژنتیکی (ترازیخته)**»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی. دوره ۵. پائیز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲.
۱۶. خسروی فارسائی، علی و میثم موسی‌پور، **ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن لا**، نشریه دانش حقوق مدنی، دوره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۴۹ تا ۶۰.
۱۷. دیلمی، احمد، **مطالعه تطبیقی ماهیت دیات در اسلام و خسارت تنبیهی در حقوق آمریکا**، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی. دوره ۱۷، ۱۳۹۲، شماره ۲.
۱۸. صفری، پرویز و معصومه قادری، **نقش تقصیر در خسارت تنبیهی**، فصلنامه علمی و پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۲۱.
۱۹. فخار، سیدمحمد، روزنامه همشهری، ۱۳۹۵/۱/۲۱، شماره ۶۹۱۴، ص ۲۶.
۲۰. مشهدی، علی، **فقه شیعه و تحول در مبنای مسئولیت مدنی زیست-محیطی**، فصلنامه حقوق. دوره ۴۱، ۱۳۹۰، شماره ۱.
۲۱. مقدادی، محمدمهدی و مهدی میرزامحمد، **مسئولیت مدنی ناشی از ورود، ساخت، فرمولاسیون و مصرف کودها و سموم دفع آفات نباتی با مروری بر مقررات استرالیا**، مجله حقوق تطبیقی. شماره ۱۰۷، جلد ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱.
۲۲. همتی، مجتبی، **اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. سال بیست و سوم، بهار ۱۳۹۷، شماره ۸۱.

رساله

۲۳. اسدی، حبیب، «**رساله دکتری تحت عنوان رژیم حقوقی حاکم بر خسارت تنبیهی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان**»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، ۱۳۹۶.

منبع الکترونیک

۲۴. محقق داماد، سیدمصطفی. **فقه محیط زیست ۱۳۹۲**. ۱۳۹۷/۱۲/۱۵، بازبینی در: فقه محیط زیست - دکتر سید مصطفی محقق داماد.

<https://www.iranboom.ir/didehban/zistboom/12848-feghh-mohit-zist.html>
(last visited on 1399/04/13).

ب) منابع انگلیسی

Articles

25. Ashford, N. A. "Reflection On Environmental: Schemes in the United States and Europe Union. Limitation and Prospects for Improvement". 2007.
26. Axelsen, L. "Kaarin. Environmental Law Problems of punitive damages". volume 25. 1995.
27. Buck, S. "The common Law and the environmental in the courts". Case western Reserve Law Review Volume 58. Issue. 2008.
28. Dent, G.W. "Limited liability in Environmental Law". *Wake Forest Law Review*. Vol 26. 1991.
29. Harkins, jr. M.R. "Environs". vol. 17. No 1. December, 1993.
30. Klass, B. "Punitive Damages and Valuing Harm", 92 *Minn. L Rev.* 83 (2007).
31. Latham. Schwatz, E. "Apple. E. 2011. The Intersection of Tort and Environmental Law: Where the Twains Should Meet and Depart". *Fordham Law review*. Volume 80. Issue 2.
32. MC, Govern. E. "Francis. Punitive Damages and Klass Actions". *Luisiana Law Review*. Vol. 70 (2011).
33. Percival. R. V. "Liability for Global Environmental harm and the evolving Relationship between public and private law". 25:1.1-28. 2010.
34. Roben. V. "Air pollution, transboundary aspects". *Maryland Journal of international law*. 1-11. 2015.
35. Rosen, C.M. 'Knowing' Industrial Pollution: Nuisance law and the power of petition in a time of rapid economic change. *The forest History society*. 8:4. pp 565-597. 2003.
36. Schwabach. A. Responsibility, customary international Law and Institutions. 2015.
37. Shapo. S.M. "Tort Law & Environmental risk Pace Environmental Law Review", Volume 14. Issue 2 Summer 1997.
38. Smead, E.E. "Sic utere tuo alienum non laedas a basis of the state police power". *Cornell law Review* 21:2. 277-292. 1936.
39. Uhlmann, M.D. "Environmental Law, Public Health, & the Values Conundrum". *Michigan Journal of Environmental & Administrative Law*. Volume 3. Issue 2. 2014.

40. Volokh. A. "Punitive Damages and Environmental at Law". *Policy study* no. 21310-1996.
41. Williams.S.culpibility, restitution and Environment : the vitality of common law rules second Penalist. *Ecology law Quarterly*. Volume 21 issue 2. 1994.
42. Yang.T."Environmental Regulation, Tort Law & Environmental Justice. Washburn". *Law Journal*.vol.41.2002.

Internet sites

43. Coppolo.G: Strict Liability Old Research Report 2009-R-0336. <https://www.cga.ct.gov/2009/rpt/2009-R-O336.htm>.
44. Dugan.M.G, «Liabilities of corporate individuals for Environmental Claims under» CERCLA.*Environmental law reporter* 1993. <https://elr.info/sites/default/files/articles/23-10074.htm>.
45. Epstein.A.R.2015.From common law to Environmental protection. www.law.u.edu/...s/Epstein-from-common-law.Chicago.
46. Hadden.Connect.michbar.org/env/reports/Deskbook/chapter13,2019.
47. Kay,M.R.2006. Enviromentalnegligence. *California Review*. Volume 94. Issue [http:// law-jrank.org/ pages/ 6513/ Enviromental-law-commonlaw-html](http://law-jrank.org/pages/6513/Enviromental-law-commonlaw.html).
visited on 2019/2/16.

